

بحران کابل بانک الگویی از آشفتگی الیگارشی مالی نوپا در افغانستان (قسمت نخست)

- ۱- بروز آشفتگی علنی، لحظه ای با دوتن از مشتریان
- ۲- پس منظر سراسیمگی گسترده
- ۳- پیشینه و ساختار «کابل بانک»
- ۴- ارزیابی انتقادی: بحران کابل بانک بیانگر تشننت نظام اقتصادی
- ۵- رویکردها.

بحران کابل بانک الگویی از آشفتگی الیگارشی مالی نوپا در افغانستان

هجوم متواتر و سراسیمگی گسترده مشتریان کابل بانک در روز های اخیر ماه اگست و اوایل ماه سپتمبر سال جاری جهت بیرون کشیدن سپرده های شان از حسابهای جاری و پس انداز، بیانگر سلب اعتماد لایه متوسط شهر نشین از نظام آسیب پذیر بانکی کشور در آشفته بازار «الیگارشی مالی نوپا» می باشد.

۱- بروز آشفتگی علنی، لحظه ای با دوتن از مشتریان

حلیمه، کارمند دولت و گل جانان پرنده فروش کسانی اند که وضعیت مشتریان بانک را به نمایش می گذارند. اینها به روزهای چهارشنبه ۲۵ و پنجشنبه ۲۶ ماه اگست سال جاری در ردیف هزاران مشتری دیگر در شعبه کابل بانک درجاده انصاری واقع در پایتخت افغانستان در انتظار نوبت ایستاده اند. دلهای این دو مشتری مالمال از نگرانی است، زیرا آنها بر این باور اند که حتماً بانک به افلاس گرفتار شده است. حلیمه با رخسار زرد و گل جانان با ریش پرپشت، در واقعیت دونماینده لایه پایینی قشر متوسط شهری اند که همصدا ادعا می نمایند، از کابل بانک سوء استفاده شده، به میدان کارزار سهامداران مبدل شده است و فساد اداری نام نیک این بانک را برباد داده است.

حلیمه که نان آور یک خانواده پنج نفری است و گل جانان که مسول تامین اعاشه یک خانواده بزرگ افغانی است، میگویند: کابل بانک که به حیث یک موسسه مالی تا اکنون از اعتماد صدها هزار انسان از جمله دکانداران، ماموران و تاجران خرده پا برخوردار بوده است، اینک دولتی شده است.

این دومشتری کابل بانک از آنجایی که به مدیریت و طرز اجراءات حکومت اعتماد ندارند، در تلاش اند تا سپرده های شان را هرچه زود تر از بانک بیرون بکشند تا دست کم بتوانند آسوده بخوابند. از آنجایی که عید رمضان آمدنی است، ایجاب می نماید تا قدری پول را به مصارف عید اختصاص بدهند.

بنابراگزارشهایی، مشتریان کابل بانک در همین دو روز در حدود ۱۸۰ میلیون دالر امریکایی از حسابهای بانکی شان برداشت کرده اند.

با توجه به ساختار مالی بانک، یعنی با توجه به سرمایه سهامداران، سپرده های مشتریان و فقدان سیالیت کافی، هرگاه هجوم مشتریان در روز های بعدی به همین منوال ادامه می یافت، کابل بانک دیگر به هیچصورت نمی توانست جوابگوی تادیات پول مشتریان خود باشد. این به دلیل آنست که وجایب بانک در این وقت به ۱/۳ میلیارد دالر امریکایی یا یک هزار و سه صد میلیون دالر امریکایی می رسید.

اما اوضاع در روزهای بعدی به عین شکل نبود. از شدت هجوم مشتریان کاسته شد و در اخیر دودلی جانشین سراسیمگی مشتریان بانک شد. با اینهم در کل وضع تادیاتی بانک و در نتیجه آن آینده این موسسه مالی هنوز هم تاریک و گنگ می باشد. مشتریان آشفته خاطر و دولتمردان مسول، به ویژه ریاست جمهوری، وزارت مالیه و بانک مرکزی مترصد باقی مانده اند.

۲- پس منظر سراسیمگی گسترده

سفارت ایالات متحده امریکا در افغانستان، با توجه به پولهایی نقد گزافی که از کابل به دوی انتقال داده می شدند و قسماً این پولها «سیاه» شمرده می شدند، کابل بانک را دقیقاً زیر نظر قرار داده بود. در اوایل ماه اگست «کارمندان راز دار» از درون کابل بانک اطلاعات موثقی را در اختیار سفارت امریکا گذاشته بودند. علاوه بر این، حواله های پولی قسماً غیرقانونی و یا با نامهای مستعار که حجم شان به بیش از دهها میلیون دالر امریکایی می رسید، زنگ خطر را در سفارت امریکا در کابل به صدا در آورده بود. نگرانی سفارت امریکا در کابل بیشتر از آن جهت بود که بنا بر پیمانی که

بین حکومت افغانستان و کابل بانک وجود داشت، در حدود ۲۵۰ هزار کارمند دولتی به شمول نیروهای نظامی می بایست مزد و معاش ماهانه شان را از طریق کابل بانک به دست می آوردند. همینها در کابل بانک حسابهای جاری و پس انداز باز کرده بودند. در صورت افلاس ناگهانی بانک خطر آن وجود داشت که پرداخت مزد و معاش ماهانه کارمندان دولت به تاخیر افتاده و قسماً پولهای امانتی که محصول رنج و زحمات ایشان بود، حیف و میل گردد.

بروز همچو حالت به مثابه خرابترین وضع قابل تصور، به طور بالقوه ای می توانست زمینه چنان طغیان گروهی را فراهم سازد که با در نظر داشت وضع ابتر اقتصادی بزودی شکل سیاسی بخود گرفته و گویا خطر به لرزه در آوردن کاخ ریاست جمهوری را به وجود آورد.

سفارت ایالات متحده امریکا در کابل، اسناد مربوط به عملکردهای ناروا و خلاف اصول بانکی افغانستان «کابل بانک» را در اختیار جنرال دیوید پتریوس، فرمانده کل نیروهای بین المللی در افغانستان قرار داد (۳). جنرال نامبرده نشست مشترکی با حامد کرزی رییس جمهور افغانستان و عبدالقدیر فطرت رییس «د افغانستان بانک» برگزار کرد. پتریوس فطرت را قناعت داد و کرزی را وادار ساخت تا به غرض جلوگیری از یک بحران خانمانسوز، گامهای پیشگیرانه ای بردارند.

آقای فطرت به روز دوشنبه ۲۳ ام ماه اگست، مطابق به فرمان ریاست جمهوری افغانستان، در یک نشست مشترک آقایان شیرخان فرنود، رییس هیات نظار و خلیل الله فروزی، رییس هیات عامل بانک را وادار به استعفا ساخت و تصدی امور بانک را به یکی از کارمندان با تجربه د افغانستان بانک به نام آقای مسعود موسی نیازی سپرد. در نتیجه بانک مرکزی افغانستان، تنها و تنها عجالاً اداره کابل بانک را به دوش گرفته است و از «دولتی کردن» بانک هنوز خبری نیست (۴).

بنابه اظهار یک تن از «کارمندان رازدار» بانک، آقای فطرت کوشید تا این تغییر و تقرر را پنهان نگه دارد تا مبادا موجب اضطراب همگانی شده و منجر به «هجوم بانکی» مشتریان گردد.

اما در برهه خبری ای که از جانب بانک مرکزی افغانستان و به امضای آقای فطرت انتشار یافته است، موضوع طور دیگری بیان شده است. در آنجا گفته می شود: به سلسله اصلاحاتی که قبلاً و در دونیم سال اخیر به وقوع پیوسته بود، یکی هم این نکته در نظر گرفته شده بود که مالکان و سهامداران بانکها از «منجمنت بانکها» کناره گرفته و اداره بانکها به افراد «پروفشنل و مسلکی» سپرده شود (۵). آقای فطرت برای فرو خواباندن اوضاع متشنج در این برهه می نویسد:

«کابل بانک مشکلاتی دارد. کابل بانک هیچگونه مشکل نقدینه گی ندارد. همین حالا تمام عملیات کابل بانک بصورت نورمال در سرتاسر کشور جریان دارد. کابل بانک انشاءالله هیچگاه مشکل نقدینه گی پیدا نخواهد کرد و باز هم من برای شما اطمینان می دهم که بانک مرکزی افغانستان با تمام قوا و باتمام امکانات پشت کابل بانک ایستاده است و من برای تمام مشتریان کابل بانک در سرتاسر افغانستان اطمینان می دهم که با خاطر آرام به عملیات نورمال و روزمره ایشان ادامه بدهند. از این اخبار و شایعاتی که پخش شده تشویش نکنند. کابل بانک یکی از مهمترین بانکها در افغانستان است و بانک مرکزی افغانستان و دولت جمهوری اسلامی افغانستان به هیچ قیمت نمی گذارد که کابل بانک متاثر شود و بانک مرکزی افغانستان باز هم تکرار می کنم با تمام قوا در عقب کابل بانک ایستاده است».

۳ پیشینه و ساختار «کابل بانک»

در اواخر سال ۲۰۰۱، توام با سرنگونی رژیم التقاطی استبدادی طالبان و آغاز «روند صلح دموکراتیک»، نظام بانکداری جدید در بستر فکری کرسی نشینان هوادار «بازار آزاد» به مثابه یکی از مسایل زیرساختی رشد و انکشاف اقتصادی سرزمین کوهپایه های هندوکش تلقی می شد. بنابراین نیاز می بایست یک سری از قوانین و مقررات طرح و تدوین می گردید. در چنبره این قوانین و ساختارها، وظایف و مکلفیتهای بانکهای خصوصی و به ویژه رابطه آنها با بانک مرکزی کشور قرار داشت. در حالیکه بانک مرکزی خود در وضع ناهنجاری بود، بازیگران تازه می خواستند نظمی را به وجود آورند که درخور «اقتصاد بازار آزاد» باشد.

برای سمت و سو دادن به نظام اقتصادی، در کنار یک سلسله قوانین دیگر در ماه جولای سال ۲۰۰۳ قانون بانکداری نیز در جریده رسمی وزارت عدلیه افغانستان انتشار یافت (۷). بلافاصله یک سال پس از این آقای خلیل الله فروزی رییس عامل کابل بانک در ماه جولای سال ۲۰۰۴ میلادی مطابق به جواز نامه شماره ۱۲۳۰ موفق به تاسیس کابل بانک شد (۸).

در ردیف ۱۶ سهامدار کابل بانک، آقای شیرخان فرنود و آقای حاجی خلیل الله فروزی هر یک با داشتن ۲۸/۱۶ درصد سهام، مالک ۷۸۰۸۳ سهم می باشند. بعد از آنها آقای محمود کرزی (برادر رییس جمهور) با داشتن ۷/۴۱ درصد سهام مقام سوم و محمود طاهر با داشتن ۶/۷۴ درصد سهام مقام چهارم را احراز می کنند. در اخیر جدول سهامداران آقای شکرالله شکران با ۰/۸۹ درصد سهام و ربی الله کاکر با داشتن ۰/۵۹ درصد سهام قرار می گیرند (۹).

آقای شیرخان فرنود ریاست هیئت نظار را بر دوش داشته و چهارتن دیگر (آقای احمد جاوید، آقای امیتا و اباسو، آقای انجینر محمد افضل حبیب و آقای امان الله حمید) به حیث اعضای هیئت نظار معرفی شده اند (۱۰).

پیرو به سیاست های ویژه ی بانکداری از قبیل عدم دیوانسالاری و جلب مشتریان بالقوه از طریق اشتهاارات و اعلان ها از یکسو، روابط گسترده ی گردانندگان این موسسه مالی با متنفذین سیاسی و دادن امتیاز های ویژه ی مالی به آنها، کابل بانک به زودی در کنار ۱۷ بانک معاملاتی کشور، به یکی از بزرگترین بانک های معاملاتی مبدل گردید (۱۱).

کابل بانک اکنون با داشتن ۶۸ نمایندگی، از جمله ۲۸ نمایندگی در پایتخت کشور، در ۳۴ ولایت افغانستان حضور دارد. مشتریان می توانند در کابل بانک حساب های جاری، پس انداز و معیادی را به افغانی و دلار امریکایی باز کنند. کابل بانک از یکسو قروض مختلف بانکی به مشتریان خود داده و از سوی دیگر تضمین های بانکی و اعتبار نامه های بانکی را نیز صادر می کند. (۱۲)

دارایی کابل بانک در اواخر سال ۲۰۰۹ بالغ بر بیشتر از یک میلیارد دلار امریکایی گردیده (۱۳) و در پایان ماه اگست، در اوج بحران حاضر، امانت های مشتریان نزد بانک ۱/۳ میلیارد دلار امریکایی گفته شده است (۱۴).

4. ارزیابی انتقادی: بحران کابل بانک بیانگر تشنگی نظام اقتصادی

از مدت ها به اینسو شواهد، قراین و نشانه های به مشاهده می رسیدند، که بیانگر سراسیمگی بازار سرمایه پنداشته شده و به بصورت خاص به مثابه آشفتگی نظام بانکی کشور تعبیر می شدند. از جمله فرار پول های " پاک و ناپاک" از کشور به دوی قابل یاد آوری است. با توجه به حجم سرمایه موجود در افغانستان این فرار پول به بانکهای امارات متحده عربی که خود مرکز تراکم پولهای نفت و قاچاق می باشد، سرسام آور بوده است. این پولها یا به حسابهای شخصی افراد و یا بعضاً به نامهای مستعار ریخته شده و از همانجا در پروژه های احتکاری ساختمانی سرمایه گذاری می شده اند. بر مبنای اظهارات یک کارمند ایالت متحده امریکا، تنها در سال ۲۰۰۹ میلادی بیشتر از ۱/۷۵ میلیارد دلار امریکایی از طریق میدان هوایی بین المللی کابل به امارات متحده عرب انتقال داده شده است. (۱۵) به نظر مصطفی مسعودی، کارمند بانک مرکزی افغانستان، انتقال پول تنها توسط ۱۰ تا ۱۲ شخص مشخص، که در داد و گرفت نظام " حواله"، شکل انتقال پول سنتی، نقش بارزی دارند، صورت می گرفته است. حتی به تنهایی یکی از این اشخاص (" حاملین پول") در سال گذشته ۳۶۰ میلیون یورو (در حدود ۴۰۰ میلیون دلار امریکایی) و شخص دومی به تنهایی در حدود ۶۹ میلیون یورو (کم و بیش ۸۰ میلیون دلار امریکایی) انتقال داده است. (۱۶)

سه منبع بزرگ این پولها، سهم گروه طالبان، پول رشوهای بزرگ ملکیت کارمندان بلند رتبه دولتی و بلاخره پولهای گزاف قاچاق مواد مخدر پنداشته شده اند.

باید گفت که در رابطه به انتقال پول و داد گرفت معاملاتی گروه طالبان، به ویژه به شکل " حواله"، " شرکت" صرفی انصاری جدید" سهم بسزایی دارد. (۱۷)

در رابطه با شرکت انصاری بایست حاجی رفیع عظیمی، رییس " بانک متحد افغان" نقش بارزی بازی نماید. (۱۸)

در واقع حجم پول هایی که از طریق " حواله" و یا توسط خود اشخاص، بدون ارتباط های قانونی بانکی، به خارج از کشور انتقال داده می شود و رسانه های خبری و یا مقام های ذیصلاح در این مورد گزارش می دهند، به مثابه " کوه یخ" ای خوانده شده، که تنها ده درصد آن بیرون از آب برآمده است و در انتظار عامه قرار می گیرد.

این که در انتقال پول (به شکل حواله و یا از طریق اشخاص و حتی در محدوده ی نظام بانکی) در داد و گرفت بیرون مرزی افغانهای پولدار سهم بسزایی داشته، اهل خبره و علاقمندان از مدت ها به اینسو کم و بیش آگاهی داشته اند. به همین منوال، این که در این راستا ساختار شخصیت های گرداننده ی این نظام، ترکیب سرمایه های زودرس با پول های " ناپاک" و روابط گسترده ی عامل این داد و گرفت با " الیگارشی مالی نوپا" از اهمیت خاصی برخوردار است، نیز نیازی به روشننگری زیاد ندارد. ولی این که چرا مشخصاً در این روزها بحران " کابل بانک" از زیر کوه پایه های هندوکش سر بیرون کشیده، ناشی از یک سری عوامل اقتصادی و سیاسی بوده، که از مدت ها به این سو به شکل خزنده عمل کرده اند و حالا قوام یافته پنداشته می شود.

الف - بحران کابل بانک و نگرانی نخبگان کرسی نشین

شگفت انگیز نیست که حامد کرزی، رییس جمهور افغانستان، بعد از نشست مشترک با جنرال پتر یوس، فرمانده کل نیروهای نظامی امریکا در افغانستان، و آقای فطرت، رییس دافغانستان بانک، به تاسی از اصرار جدی فرمانده امریکایی و ادار گردید تا بید رنگ دست به کار شده و برای پیشگیری از طغیان احتمالی اکثریت مشتریان کابل بانک، که در حال تکوین دیده می شد، قدم های موثر بردارد.

نظر اندازی عمیقتر به ساختار قشری مشتریان " کابل بانک"، بعد اجتماعی این موضوع را روشن می سازد. کابل بانک بیشتر از یک میلیون مشتری دارد که از این جمله در حدود ۱۰ درصد آن را مشتریان بزرگ (تاجران عمده، متصدیان شرکت های ساختمانی، مالکان موسسات صنعتی و گردانندگان شرکت های امنیتی خصوصی) تشکیل می دهند. بقیه چیزی کم ۹۰۰ هزار مشتری کابل بانک متشکل است از نمایندگان قشر متوسط شهری با لایه های پایینی، مانند خرده تاجران، مالکان خرده پای مغازه ها، مالکان تاکسی های شهری، کارمندان پایین رتبه ی دولتی و بلاخره کارمندان بنیاد های خیریه یا سازمانهای غیردولتی (انجیوها) (NGOs) که به دالر معاش می گیرند. سهم 250 هزار کارمند دولتی، که 25 درصد تمام مشتریان راحتوا می کند، به مثابه قشری که چرخ های نظام اداری و امنیتی حکومت را در حرکت نگه میدارند و در نتیجه در چگونگی ثبات و استقرار نظام نقش کلیدی دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

آقای شفق، کارمند وزارت معارف بی پرده می گوید که وی بعد از این دیگر هیچ گاهی پولش را به بانک نخواهد سپرد. او قصد دارد که پولش را در خانه نگهداری کرده و به غرض حفظ ملکیت کوچک خویش حتی یک تفنگچه و " نارنجک" تهیه و در خانه نگهداری نماید. (۱۹)

در کنار آقای شفق، ذبیح پاچا، جوان 27 ساله، حاضر نیست که پولش را دیگر به کابل بانک اعتماد کند. وی قصد دارد که تمام دارایی خویش را که بالغ بر یکصد هزار افغانی (در حدود 2200 دالر امریکایی) می شود به زودی از بانک بیرون بکشد (۲۰). آقای حسیب، جوان 26 ساله ی دیگر نیز که قرار خود را از دست داده است، نمی خواهد بیشتر به تشویش بسر می برد. او آرزو می کند که در اسرع وقت دوباره به پولش دست یابد (۲۱). در اخیر به شکل نمونه باری هاشمی، یک افغان دیگر نیز با انکشاف اوضاع در روز های اخیر، دیگر به کابل بانک اعتماد نداشته و در ردیف منتظران می خواهد تمام امانت های بانکی خود را (10 هزار دالر امریکایی) از حساب پس انداز خود بیرون کشد (۲۲). بعد از این نظر گذرا بر اظهارات چند تن از مشتریان " کابل بانک" به نقش کارمندان دولت به مثابه مشتریان کابل توجه بیشتری کنیم:

اگر ازین نقطه حرکت کنیم که در شرایط سنتی جامعه ی افغانی، ۲۵۰ هزار کارمند دولت به حیث مشتریان کابل بانک، هریک نان آور یک خانواده متوسط چهار نفری باشند، در این صورت تعداد آنانی که از ورشکست شدن کابل بانک به شکل مستقیم متأثر خواهند شد، قریب به یک میلیون نفر می رسد. در صورت افلاس " کابل بانک" این تعداد یا امانت های خویش را در بانک از دست داده یا در بهترین شرایط، دو تا سه ماه محروم از مزد و معاش میگردند، ویا هر دو حالت به شکل "بلای آسمانی" ویا بهتر است بگوییم بر اثر حکومتداری خراب بر سر آنها نازل می شود. کرایه خانه، تهیه مواد خوراکی و مصارف روزمره برای آنها با چه دشواریهای توانفرسای همراه خواهد بود. از همین جاست که در این مسئله، آن زیر ساخت نارضایتی وحتی طغیان احساس می گردد، که بطور بالقوه توان آن را دارد تا از طریق واکنش های مسالمت آمیز پایه های متزلزل کاخ ریاست جمهوری را به لرزه در آورد. دقیقاً این همان معضله ی را به تماشا می گذارد که جنرال پتروپوس در نشست مشترکی که قبلاً بدان اشارت شد، بایست به گوش رییس جمهور رسانیده و به خطرهای متصور از آن اذعان کرده باشد.

ولی بُعد اجتماعی طغیان احتمالی مشتریان، بیشتر از نگرانی تنها کارمندان دولت به حیث مشتریان کابل بانک خوانده شده می تواند.

اگر مشتریان متأثر از بحران کابل بانک را که بالغ بر 900 هزار تن می رسند (در این جا یکصد هزار مشتری دیگر به حیث اشخاص مرفه و مالکان بزرگ تصور شده اند) طوری تصور کنیم که هریک نان آور یک خانواده 5 نفری باشد، پس در حدود چهارونیم میلیون در عزای ورشکست شدن کابل بانک خواهند نشست. اگر تأثیرات " ضریب فقدان قدرت خرید" این گروه را هم در محاسبه بیاوریم، بدون شک دکاندار کوچک، نانوايي منطقه، تاکسی ران و مغازه های کفش وکالا فروشی، همه و همه از فقدان فروش در قدم دوم متأثر می گردند. در نتیجه به صورت کل احتمال می رود که در حدود 5 میلیون بر اثر موج بزرگ افلاس بانکی به اعماق مصایب کشانده شوند.

پرواضح است که لایه ی متوسط جامعه، باتمام محافظه کاری های ذاتی و قدرت دور اندیشی که دارد، اگر زیربنای خواست های مادی اش متضرر گردد و توانایی آن را از او سلب کنند که برای طفلش غذا تهیه نماید، یا برای همسرش چادری ویا برای پدر پیرش دوا بخرد، دیگر خود و همه ی جهان را فراموش می کند. در همین جاست که با نارضایتی چنین قشر گسترده کشور طغیانی متصور شده می تواند که حتی کوهپایه های گران هندوکش را هم به لرزه در آورده می تواند.

با احساس همچو خطرهای احتمالی، ناشی از گذشتن از خط قرمز سیاسی و اجتماعی بود که سفارت امریکا در کابل خواهان واکنش هرچه زودتر مقام های اداری افغانستان گردید.

هم زمان با نشست مشترک (پتروپوس، حامد کرزی و فطرت) تامی ویکتور، سخنگوی کاخ سفید، برای آرامش خاطر امریکاییان، که بار مالیات سنگین را بردوش می کشند، اظهار داشت که افغانستان در راستای تسنج زدایی مالی تنها و تنها از " همکاری فنی" امریکا برخوردار گردیده و کشورش هرگز مساعدت مالی نخواهد کرد. (۲۳)

این موضوع از پشتیبانی نیل ولین (Neal Wolin)، معین وزارت مالیه امریکا نیز برخوردار بود. وی با صراحت تمام اظهار داشت است که امریکا به حکومت افغانستان کمک تخبیکی نموده و پول مالیات کشورش برای پشتیبانی از کابل " به مصرف نمی رسد." (۲۴)

در این رابطه " گروه فنی" آن کشور به زودی رهسپار افغانستان شد تا شاهد اوضاع از نزدیک بوده و توصیه های لازم ارائه کنند. (۲۵)

در این میان حامد کرزی به نوبه ی خود به عمق مسئله پی برده و در یک نشست خیری اظهار داشته است که " مردم نباید پریشان باشند، ما به اندازه کافی پول در اختیار داریم و از این طریق پولهای امانت آنها را تضمین می نمایم." (۲۶) رییس جمهور باز هم یک قدم فراتر گذاشته و گفته است، " اگر تمام نظام مالی افغانستان درهم ریزد، ما هنوز هم پول کافی نقد، به غرض پشتیبانی بانک در اختیار داریم." (۲۷)

ولی کرزی در آخرین تحلیل، عوض این که با علل اصلی بحران برخورد واقع‌بینانه نماید، در نشست خبری مشترک با رابرت گیتس، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، رسانه‌های غرب را متهم ساخت که در این مورد گویا گزارش‌های منفی و حتی "تحریک آمیز" پخش نموده اند (۲۸).

به تأیید از مواضع رییس جمهور، محمد عمرزاخلیوال، وزیرمالیه به نوبه ی خود اوضاع مالی کابل بانک را "غیربحرانی" خوانده و حمایت خود را در قبال اوضاع اعلام داشت است. (۲۹)

با وجود تشنج علنی اوضاع مالی کابل بانک، و با وجود نگرانی‌های گسترده در خود دستگاه اداری کشور، زاخلیوال به این باور است که کابل بانک گویا "صد درصد" مسون است. (۳۰)

با در نظر داشت تشکیل اداری، اخیراً آقای فطرت رییس بانک مرکزی، کابل بانک را یکی از مهمترین بانک‌های کشور خوانده، و به همین لحاظ، به گفته خودش، حکومت افغانستان و بانک مرکزی به هیچ وجه و هرگز نمی‌گذارد، که کابل بانک متاثر و متضرر گردد (۳۱).

با آن که تحت قیادت رییس جمهور، وزیرمالیه و رییس دافغانستان بانک، تلاش دارند تا اوضاع کابل بانک و انکشاف بازار سرمایه را طور عادی جلوه دهند، ولی در عمل کابل بانک خود را مجبور می‌بیند که نه تنها رییس هیات نظر و رییس هیات عامل بانک را از وظیفه‌های شان سبکدوش نماید، بلکه دارایی‌های آنها را نیز تحت نظارت قرار داده و گویا "منجمد" می‌سازد. در این راستا تنها محمود کرزی از این امر مستثنی خوانده شده است (۳۲).

برخلاف سیاستمداران، آقای فروزی به حیث گرداننده چرخ کابل بانک، اظهارات واقع‌بینانه‌ای داشته می‌گوید: "اگر اوضاع بدین منوال ادامه یابد، ما سقوط خواهیم کرد" (۳۳).

ب - بحران کابل بانک و بهره برداری‌های ناجایز و فقدان اهلیت حرفه‌ای

آقای شیرخان فرنود، آقای خلیل الله فروزی و آقای محمود کرزی، سه تن از سهامداران بزرگ کابل بانک محسوب می‌شوند که با داشتن ۱۷۶۴۱۴ سهم، ۶۳/۷۳ درصد سهام کابل بانک را در اختیار دارند. هرگاه ۶/۶۸ درصد سهام مربوط به خانم فریده فرنود به رقم فوق الذکر اضافه گردد، در این صورت سهم این گروه به ۷۰/۴۱ درصد افزایش می‌یابد. (۳۴)

به این ترتیب اگر پیوند‌های سیاسی و روابط اجتماعی، به حیث عناصر تاثیر گذار موضوع بحث نباشند، این گروه با تمسک به اصول بانکداری معاصر و در محدوده ی قوانین بانکی افغانستان مسوول طرح ستراتیژی مالی (راهبرد مالی) و چگونگی امور اجرایی کابل بانک خوانده می‌شود.

آقای فرنود که ۴۶ سال دارد، دارای تجربه فراوان و سابقه طولانی در بازار صرافی افغانستان، به ویژه در بخش داد و گرفت سنتی "حواله" می‌باشد. علاوه بر آن او یکی از مشهورترین بازیگران پوکر Poker در سطح جهانی به شمار می‌رود که در سال ۲۰۰۸ در یک کازینوی لندن، در مسابقات جهانی "World Services of Poker Europe" برنده جایزه اول به مبلغ ۱۲۰ هزار دالر امریکایی شده است (۳۵).

آقای خلیل الله فروزی، از طریق تجارت "سنگهای قیمتی" پول هنگفتی گرد آورده و با درک ذهنیت تجاری در بخش نظام بانکداری کشور، بدون سوابق بانکی در این رشته فعال گردیده است.

دست بدست دادن فروزی با فرنود، با توجه به ساختارهای سیاسی بخصوص افغانستان منجر به آن گردید تا کابل بانک سالانه در حدود ۱۰ درصد رشد نموده و این بانک به یکی از بزرگترین موسسات مالی افغانستان ارتقا یابد. همچنان آقایون نامبرده به ترتیب رییس هیات نظر و رییس هیات عامل بانک شده و در زمره متمولترین اشخاص افغانی جا باز کردند.

با یک تفاوت چشمگیر، محمود کرزی که ۵۴ سال دارد، مالک یک رستوران در بالتیمور ایالت مریلند ایالات متحده آمریکا بود (۳۶). او در بازار نظام بانکداری صیغه ی تازه وارد را دارد. محمود کرزی، با استفاده از پیوند سیاسی خویش سرمایه گذاری‌های گسترده‌ای در بخش سمنت در افغانستان به عمل آورده و واردات موترهای "تویوتای" جاپانی را در انحصارش در آورده است. او قصد دارد تا هرچه زود تر موفق به ایجاد "امپراتوری و گرفت اقتصادی" در سرزمین هندوکش گردد. (۳۷)

با وجود خواست‌ها و عمل کردهای مشترک، بین آقای فرنود و آقای فروزی از دیر زمان به اینسو تنش‌های هم وجود داشته است. از جمله آقای فرنود از کارروایی‌های وحیدالله فروزی، برادر جلال الدین فروزی، که مالک شرکت امنیتی خراسان Khorasan Security Company می‌باشد خوشنود به نظر نمی‌رسد. این شرکت که از طرف برادران فروزی تاسیس شده و اداره می‌شود، مسوولیت امنیت کابل بانک را بدوش دارد. در این جا مسئله ی مزد دهی به این شرکت امنیتی خصوصی جنجال برانگیز خوانده شده است. علاوه‌تاً به نظر فرنود، آقای فروزی پول‌های زیادی را در پروژه خطوط هوایی پامیر سرمایه گذاری کرده است که خودش اداره آن را در دست دارد. فرنود این پروژه را موفق نمی‌خواند. (۳۸)

در مقابل آقای فروزی از پول‌های هنگفتی که به صورت متواتر و قسماً غیرمجاز، توسط آقای فرنود از بانک برداشت گردیده و به ویژه در پروژه‌های ساختمانی در دوی، آنها به اسم آقای فرنود و خامش، سرمایه گذاری شده اند، شاکمی بوده است. آقای فرنود در گذشته‌ها ۱۶ ویلا در بخش «پالم جمیرا» Palm Jumeira واقع در مناطق ساحلی

دوبی، به مبلغ ۱۶۰ میلیون دالر خریداری کرده است. (۳۹) درمورد چگونگی این پول ها، بیلانسان کابل بانک درسال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ گنگ و غیر شفاف است.

درحاشیه باید گفت که خریدن همچو ویلا های تجملی با فواره های آب و آراسته با تمام تسهیلات زندگی مرفه درکویت برای تعدادی از افغانها به امرعادی مبدل گردیده است. پولداران نوپا، قاچاقبران اسلحه و موادمخدر، مالکان شرکت های امنیتی و دراخیر بخشی از کرسی نشینان آغشته درفساد اداری ورشوه ستانی، از دیرزمانی بدینسو به این کار دست می زنند. آنها گویا بایک قدم به دوهدف نایل می گردند: پول خویش را از کشور بیرون کرده و درعین زمان رهائشگاه ها برای خود و همراهان خویش تهیه می کنند.

ولی آقای فرنود، باجود تجارب دیرینه تجار تی ، درزمانی به این سرمایه گذاری ها اقدام نموده است که امارات متحده عرب از شگوفایی و رفاه اقتصادی "غیرمولد" ساختمانی برخوردار بوده است. در نتیجه قیمت ویلاهای آقای فرنود، که به پول بانک ولی به اسم خودش خریداری شده بودند ، بعداز ترکیدن "حباب ساختمانی"، درسالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به طور چشمگیر پایین می آید و حدس زده می شود که دارایی های وی اکنون بیشتر از ۶۰ میلیون دالر ارزش نداشته باشد. قراین زیاد بیانگر این نکته است که در همچشمی های مالی و رقابت های اداری بین فرنود و فروزی، پله ی ترازو آهسته آهسته به نفع آقای فروزی سنگین تر گردیده و نقش رییس عامل در مقابل رییس هیئت نظار در عمل روز افزونتر گردیده است. از مقایسه فهرست سهامداران کابل بانک درسال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به زودی این موضوع روشن می گردد. در دسامبر سال ۲۰۰۸، سهم آقای فرنود به ۳۳/۳۲ درصد و سهم آقای فروزی ۱۵/۷۶ درصد بوده است. ولی در دسامبر سال ۲۰۰۹ سهم آقای فرنود به ۲۸/۱۶ درصد تنزیل یافته و برخلاف سهم آقای فروزی افزایش یافته و ۲۸/۱۶ درصد شده و با آقای فرنود " هم وزن" شناخته می شود. (a 39)